

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالی



موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ وجود مهدی و ویژگی‌های او

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: یعقوب

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۲/۱۵

مهدی چند سال حکومت می‌کند و بعد از مهدی زندگی چگونه پایان می‌پذیرد؟ چون مهدی آخرین منجی است و بعد از آن دیگر امام یا خلیفه‌ای تعیین نشده. مهدی چگونه با شمشیر به جنگ با سلاح‌های روز می‌رود؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۲/۱۵

روایات فریقین درباره‌ی مدّت حکومت مهدی اختلاف دارند و از هفت یا هشت یا نه سال نزد اهل سنت^۱ تا حدود بیست سال نزد اهل تشیع^۲ را پیش‌بینی می‌کنند، ولی از آنجا که روایاتی واحد و ظنی هستند، قابل اتکا محسوب نمی‌شوند. همچنین، روایاتی در دست هستند که از تداوم خلافت پس از مهدی و انتقال آن به یازده یا دوازده مهدی دیگر از فرزندان حسین خبر می‌دهند^۳ که نخستین آنان مردی خراسانی^۴ به نام منصور است^۵.

اما اینکه «مهدی با شمشیر به جنگ با سلاح‌های روز می‌رود» محض ادّعاست که دلیلی برای آن وجود ندارد.

۱. مصنف ابن ابی شیبۀ، ج ۸، ص ۶۷۸؛ مسند أحمد، ج ۳، ص ۲۷ و ۳۷

۲. الغیبة للنعمانی، ص ۳۵۳

۳. کمال الدین و تمام النعمة لابن بابویه، ص ۳۳۸؛ الغیبة للطوسی، ص ۴۷۸

۴. میزان الاعتدال فی نقد الرجال للذهبی، ج ۳، ص ۱۲۸؛ إمتاع الأسماع للمقریزی، ج ۱۲، ص ۲۹۶

۵. الفتن لابن حماد، ص ۶۴ و ۲۴۷؛ شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار لابن حیون، ج ۳، ص ۴۰۰؛ دلائل النبوة للبيهقي، ج ۶، ص ۵۱۳



پرسش فرعی ۱ **نویسنده: اسد اسدی** **تاریخ: ۱۳۹۸/۷/۲۹**

در حین مطالعه، مطلبی ذهن من را به خود مشغول کرد که با شما در میان می‌گذارم. لطفاً راهنمایی بفرمایید.

در رابطه با پرسش ۱۲۱ که مهدی چند سال حکومت می‌کند و بعد از مهدی زندگی چگونه پایان می‌پذیرد، نظر بنده این است که با توجه به آیهی شریفه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»، زمین هیچ گاه از خلیفه‌ی خداوند خالی نمی‌ماند و با توجه به اخبار متواتر، خلفاء خداوند بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دوازده نفر هستند. از این لازم می‌آید که یا امام مهدی علیه السلام تا روز قیامت به عنوان خلیفه‌ی خداوند در زمین باقی بماند و یا در صورتی که خواست خداوند این باشد که عمر مبارک او قبل از روز قیامت پایان پذیرد و به رحمت الهی رود، سایر دوازده خلیفه‌ی خداوند به امر او رجعت کنند تا خلیفه‌ی خداوند در زمین باشند؛ و الله اعلم.

پاسخ به پرسش فرعی ۱ **تاریخ: ۱۳۹۸/۸/۲**

درباره‌ی اینکه پس از امام مهدی علیه السلام چه روی می‌دهد، چهار روایت رسیده است:

۱. قیامت بر پا می‌شود.
۲. همه یا برخی خلفاء پیشین رجعت می‌کنند.
۳. یازده یا دوازده مرد هدایت یافته -یکی پس از دیگری- حکومت می‌کنند.
۴. مسیح علیه السلام حکومت می‌کند.

بدون شک حالت یکم و دوم ممکن است، ولی حالت سوم نیز غیر ممکن نیست؛ چراکه از یک سو این یازده یا دوازده مرد هدایت یافته، امام نیستند، بلکه پیروان امام هستند و به اطاعت از او و نه اطاعت از خود دعوت می‌کنند؛ چنانکه از ابو بصیر روایت شده است: «قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! إِنِّي سَمِعْتُ مِنْ أَبِيكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: يَكُونُ بَعْدَ الْقَائِمِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا، فَقَالَ: إِنَّمَا قَالَ: اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا وَلَمْ يَقُلْ: إِنَّمَا عَشَرَ إِمَامًا وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ مِنْ شِيعَتِنَا

يَدْعُونَ النَّاسَ إِلَى مُوَالَاتِنَا وَمَعْرِفَةِ حَقِّنَا^۱؛ «به امام صادق جعفر بن محمد علیهما السلام گفتم: ای پسر رسول خدا! من از پدرت شنیدم که فرمود: پس از قائم (یعنی امام مهدی علیه السلام) دوازده هدایت‌یافته خواهند بود، فرمود: او تنها فرمود: دوازده هدایت‌یافته و نفرمود: دوازده امام؛ آن‌ها صرفاً گروهی از پیروان ما هستند که مردم را به دوستی ما و شناخت حَقِّمان دعوت می‌کنند» و از سوی دیگر، این یازده یا دوازده مرد هدایت‌یافته، «خلیفه‌ی خلیفه‌ی خداوند در زمین» هستند و به نیابت از جانب او حکومت می‌کنند و از این رو، می‌توان گفت که با وجود آنان، زمین از خلیفه‌ی خداوند خالی نیست؛ خصوصاً اگر آثار و موارث علمی ویژه‌ای از خلیفه‌ی خداوند در اختیار آنان باشد. با این حال، انصاف آن است که محتمل‌ترین حالت، حکومت مسیح علیه السلام است؛ چراکه نزول او در زمان امام مهدی علیه السلام قطعی است و روایاتی بر بقاء او پس از آن حضرت دلالت دارند؛ مانند روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در آن آمده است: **«أَنَا أَوَّلُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَالْمَهْدِيِّ أَوْسَطُهَا وَعِيسَى آخِرُهَا»**^۲؛ «من اوّل این امت هستم و مهدی وسط آن است و عیسی آخر آن است» و این به معنای نسخ اسلام نیست؛ چراکه مسیح علیه السلام مانند مهدی علیه السلام بر پایه‌ی قرآن و بر پایه‌ی سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حکومت می‌کند؛ چنانکه در روایتی آمده است: **«يَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ، فَيَقْتُلُ الْخَنَزِيرَ، وَيَمْحُو الصَّلِيبَ، وَتُجْمَعُ لَهُ الصَّلَاةُ، وَيُعْطَى الْمَالُ حَتَّى لَا يَقْبَلَ، وَيَصْعُقُ الْخَرَجَ، وَيَنْزِلُ الرُّوحَاءُ، فَيَحْجُ مِنْهَا أَوْ يَغْتَمِرُ، أَوْ يَجْمَعُهُمَا»**^۳؛ «عیسی بن مریم نازل می‌شود، پس خوک را می‌کشد و صلیب را از بین می‌برد و نماز جماعت برای او بر پا می‌شود و مال را عطا می‌کند تا حدّی که کسی آن را نمی‌پذیرد و خراج می‌گذارد و در رוחاء فرود می‌آید و از آنجا به حج یا عمره می‌رود یا میان هر دو جمع می‌کند» و در روایتی دیگر آمده است: **«فَيَكْسِرُ الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلُ الْخَنَزِيرَ، وَيَصْعُقُ الْجَرِيَّةَ، وَيُعْطَى الْمِلَلُ، حَتَّى يَهْلِكَ اللَّهُ فِي زَمَانِهِ الْمِلَلُ كُلُّهَا غَيْرَ الْإِسْلَامِ»**^۴؛ «پس صلیب را می‌شکند و خوک را می‌کشد و (از اهل کتاب) جزیه می‌گیرد و همه‌ی ادیان را تعطیل می‌کند، تا اینکه خداوند در زمان او همه‌ی ادیان به جز اسلام را از بین می‌برد».

به هر حال، هر یک از این چهار حالت محتمل است، ولی تردیدی نیست که اکنون ما به دانستن این موضوع مکلف نیستیم؛ چراکه این موضوع مربوط به آینده است و طریقی برای علم به آن وجود ندارد. چیزی که اکنون تکلیف ما محسوب می‌شود، زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی

۱. کمال الدین و تمام النعمة لابن بابویه، ص ۳۵۸

۲. الخصال لابن بابویه، ص ۴۷۶؛ عیون أخبار الرضا لابن بابویه، ج ۱، ص ۶۶؛ الغیبة للطوسی، ص ۱۸۵؛ عمدة عیون صحاح الأخبار لابن البطریق، ص ۴۳۲؛ مشکاة المصابیح للتبریزی، ج ۳، ص ۷۷۰

۳. مسند أحمد، ج ۲، ص ۲۹۰

۴. مسند أحمد، ج ۲، ص ۴۳۷



علیه السلام است و ظهور امام مهدی علیه السلام هرگاه واقع شود، به همه‌ی پرسش‌های ما از جمله درباره‌ی این موضوع پاسخ می‌دهد ان شاء الله. پس بیاید اکنون بر روی زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام متمرکز شویم.

تاریخ: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱

نویسنده: عبد الرحمن انوری

پرسش فرعی ۲

۱. طبق نظر شما خداوند اسباب کمال ما را جایز و اسباب زوال ما را ناجایز شمرده است. پس چرا تقلید از اوصیای مهدی را ناجایز شمرده، در حالی که آن‌ها از هر نقصان مخلی در رساندن مردم به شناخت یقینی از اسلام و تطبیق کامل آن پاک هستند؟ تقلید از آن‌ها چه آسیبی به مردم می‌رساند و چگونه سبب زوال آنان می‌شود؟

۲. زمین هیچ گاه نمی‌تواند از امام خالی بماند، در حالی که اگر اوصیای مهدی را امام ندانیم، زمین از امام خالی می‌ماند.

۳. ختم نبوت مبتنی بر ختم نیاز بشر به تشریع احکام جدید و تبلیغ آن‌ها بوده است. ختم امامت مبتنی بر ختم کدام نیاز بشر است؟

۴. آیا ترویج اعتقاد به انحصار تعداد نمایندگان خدا به یک عدد خاص و واجب الطاعة ندانستن غیر آن‌ها که منتج به قطع رابطه‌ی مردم با خداوند می‌شود، از کارهای شیطان و حزبش نیست؟ صرف اتکا به روایات در این زمینه زیرکانه نیست، بلکه این مکر شیطان و پیروان اوست که با پی بردن به مؤثریت قطع رابطه‌ی مردم با خداوند، به این روش اهتمام ورزیده‌اند؛ چنانکه اکثریت قاطع معتقدین به این انحصار، از خلیفه‌ی زمان فرسخ‌ها دورند.

تاریخ: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

پاسخ به پرسش فرعی ۲

لطفاً به نکات زیر توجه کنید:

۱. وجود اوصیایی برای مهدی قطعی نیست تا درباره‌ی آن با ما مجادله کنید، بلکه صرفاً یکی از احتمالات موجود است. بنابراین، اگر به باور شما با احادیث رسیده درباره‌ی تعداد امامان قابل جمع نیست، باید این احتمال را کنار بگذارید و یکی دیگر از احتمالات موجود را اختیار کنید، نه اینکه احادیث رسیده درباره‌ی تعداد امامان را زیر سؤال ببرید؛ چراکه احادیث رسیده درباره‌ی تعداد امامان، متواتر و سازگار با کتاب خداوند هستند و از این رو، قطعی محسوب می‌شوند و هیچ عاقلی، امری قطعی را به خاطر یک احتمال کنار نمی‌گذارد!

۲. امامت، مبتنی بر عصمتِ ضروری و تضمین شده است که برای اوصیای مهدی، بر فرض وجودشان، ثابت نیست. از این رو، ادعای شما که «آنها از هر نقصان مخلی در رساندن مردم به شناخت یقینی از اسلام و تطبیق کامل آن پاک هستند»، اساسی ندارد. آری، ممکن است که از این صفت برخوردار باشند، ولی این صفت برای آنان ضروری و تضمین شده نیست تا پشتوانه‌ای کافی برای تقلید از آنان محسوب شود و همین برای تفاوت آنان با امامان کافی است. آنان، در صورتی که وجود داشته باشند، تنها راویانی عالم و صالح هستند که قول و فعل مهدی را روایت می‌کنند و روایت‌شان حجت محسوب می‌شود، نه رأی‌شان. بنابراین، برای مردم جایز نیست که از آراء آنان تقلید کنند و اگر این کار را انجام دهند، بر خلاف عقل و شرع عمل کرده‌اند و واضح است که هر کس بر خلاف عقل و شرع عمل کند، در دنیا و آخرت زیان‌کار خواهد بود.

۳. ادعای شما مبنی بر اینکه زمین هیچ گاه نمی‌تواند از «امام» خالی بماند، ثابت نیست؛ زیرا آنچه از قرآن و سنت ثابت شده، این است که زمین هیچ گاه نمی‌تواند از «خلیفه‌ی خداوند» خالی بماند و «خلیفه‌ی خداوند» اعم از «امام» است و شامل «پیامبر» و چه بسا «اوصیاء امام» نیز می‌شود. آری، در برخی روایات آمده است که زمین هیچ گاه نمی‌تواند از «امام» خالی بماند و این تعارضی است که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در درس‌های خود آن را تبیین کرده؛ چنانکه پس از ذکر روایات فرموده است:

«هَكَذَا رَوَى ابْنُ الطَّيَّارِ وَحُمَرَةُ بْنُ حُمَرَانَ بَلَفُظَ <الْحُجَّةَ>، وَرَوَى يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ وَكَرَّامٌ بَلَفُظَ <الْإِمَامَ>، وَبَيَّنَّاهُمَا اخْتِلَافًا؛ لِأَنَّ الْحُجَّةَ أَعَمُّ مِنَ الْإِمَامِ، وَالْأَيُّمَّةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ، وَلَيْسَ لِلْحُجَجِ عَدَدٌ مَعْدُودٌ، وَالنَّبِيُّ حُجَّةٌ وَالْإِمَامُ حُجَّةٌ وَمَنْ أَمَرَ النَّبِيَّ أَوْ الْإِمَامَ بِطَاعَتِهِ حُجَّةٌ؛ لِأَنَّ مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَهُمَا، وَالْفَرْقُ أَنَّهُ لَا يَجُوزُ تَقْلِيدُهُ فِي الدِّينِ، وَإِنَّمَا يَجِبُ طَاعَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَفِيمَا يَزُورُ عَنْهُمَا. فَإِنْ كَانَ اللَّفْظُ هُوَ <الْإِمَامَ> فَيَدُلُّ عَلَى خَالَتَيْنِ: إِمَّا يَعِيشُ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، سَوَاءً طَالَ عُمُرُهُ أَوْ عَجَلَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ؛ لِأَنَّهُ آخِرُ الْأَيُّمَةِ الْإِثْنِي عَشَرَ، وَإِمَّا يَمُوتُ فَيُخْلَفُهُ إِمَامٌ مِنَ الْأَيُّمَةِ الْمَاضِيْنَ، لِئَلَّا يَزِيدَ عَدَدُ الْأَيُّمَةِ عَنِ الْإِثْنِي عَشَرَ، وَهُوَ لَا مَحَالَةَ أَحَدُ الرَّجُلَيْنِ: إِمَّا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي يَنْزِلُ فِي زَمَانِهِ فَيُصَلِّيُ خَلْفَهُ كَمَا تَوَاتَرَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَإِمَّا إِمَامًا مِنَ الْأَيُّمَةِ الْإِثْنِي عَشَرَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا بَعْدَ مَوْتِهِ كَمَا رَوَى الشَّيْعَةُ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ أَيُّ الثَّلَاثَةِ سَتَكُونُ، وَإِنْ كَانَ اللَّفْظُ هُوَ <الْحُجَّةَ> فَيَدُلُّ عَلَى الثَّلَاثَةِ وَيَزِيدُ عَلَيْهَا رَابِعَةً، وَهِيَ أَنْ يَمُوتَ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيُخْلَفُهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ قَدْ أَمَرَ بِطَاعَتِهِ، وَلَا يُنَافِي ذَلِكَ مَا وَرَدَ مِنْ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ إِمَامٍ يَوْمًا وَاحِدًا؛ لِأَنَّ هَذَا الرَّجُلَ غَامِلُ الْإِمَامِ، وَقَدْ يَرِثُ كُتُبَهُ وَيُزَوِّبُهَا، إِلَّا أَنَّ ذَلِكَ أَبْعَدُ الْحَالَاتِ؛ لِأَنَّهُ خِلَافُ الظَّاهِرِ، وَأَقْرَبُهَا وَأَقْوَاهَا رَوَايَةُ أَنَّ الْمَهْدِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَمُوتُ حَتَّى يَنْزِلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَنَّ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

لَا يَمُوتُ حَتَّى يَخْرُجَ الدَّابَّةُ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ، وَهَكَذَا لَا تَحُلُو الْأَرْضَ مِنْ إِمَامٍ يَوْمًا وَاحِدًا»؛ «ابن طیار و حمزة بن حمران این گونه روایت کرده اند با لفظ <حَجَّت>، ولی یونس بن یعقوب و کزام با لفظ <امام> روایت کرده اند و میان آن دو تفاوت وجود دارد؛ چراکه حَجَّت، اعم از امام است و امامان در کتاب خداوند دوازده تن هستند، ولی برای حَجَّت ها عدد معینی نیست و پیامبر حَجَّت است و امام حَجَّت است و کسی که پیامبر یا امام به اطاعت از او امر کرده حَجَّت است؛ چراکه هر کس از او اطاعت کند، از آن دو اطاعت کرده و فرقی در این است که تقلید از او در دین جایز نیست، بلکه تنها اطاعت از او در امور دنیا و در چیزی که از آن دو (یعنی پیامبر و امام) روایت می کند، واجب است. پس اگر لفظ حدیث <امام> باشد، بر دو حالت دلالت دارد: (۱) یا مهدی علیه السلام تا روز قیامت زنده خواهد ماند، خواه به این معنا که عمرش طولانی خواهد شد و خواه به این معنا که قیامت پیش خواهد افتاد؛ چراکه او آخرین امام از امامان دوازده گانه است، (۲) یا اینکه او از دنیا خواهد رفت و امامی از امامان گذشته جانشین او خواهد شد تا تعداد امامان از دوازده بیشتر نشود و آن امام ناگزیر یکی از دو کس خواهد بود: یا عیسی بن مریم علیه السلام که در زمان او نازل خواهد شد و پشت سر او نماز خواهد گزارد، چنانکه به تواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است و یا امامی از امامان دوازده گانه خواهد بود که پس از مرگ رجعت خواهد کرد، چنانکه شیعه روایت کرده است و خداوند دانایتر است که کدام یک از سه حالت واقع خواهد شد و اگر لفظ حدیث <حَجَّت> باشد، علاوه بر این سه حالت، بر حالت چهارمی نیز دلالت دارد و آن این است که مهدی علیه السلام از دنیا برود و مردی از اهل بیتش که به اطاعت از او امر کرده است جانشینش شود و این با روایاتی که گفته اند زمین یک روز از امام خالی نمی ماند، منافاتی پیدا نمی کند؛ چراکه این مرد، کارگزار امام است و چه بسا کتب او را به ارث می برد و روایت می کند، جز آنکه این حالت، بعیدترین حالات است؛ چراکه بر خلاف ظاهر (از لفظ امام در روایات مذکور) است و نزدیک ترین حالات و قوی ترین آن ها از حیث روایت این است که مهدی علیه السلام از دنیا نمی رود تا آن گاه که عیسی بن مریم علیه السلام نازل شود و عیسی بن مریم علیه السلام از دنیا نمی رود تا آن گاه که جنبنده ای که خداوند در قرآن یاد کرده است بیرون آید و این گونه، زمین یک روز از امام خالی نخواهد ماند»^۱.

۴. ختم امامت، بر خلاف ختم نبوت، ثابت نیست تا دربارهی علت آن سخن بگوییم؛ زیرا چنانکه روشن شد، ممکن است پس از مهدی قیامت بر پا شود، یا امامی از امامان گذشته رجعت کند،

۱. درس ۱، باب ۳، حدیث ۳۱ (ص ۵۷)



ولی اگر آن را ثابت فرض کنیم، علت آن می‌تواند رسیدن مردم به حدی از رشد عقلی و اخلاقی با تعلیم و تربیت مهدی و بهره‌گیری از عدالت جهانی باشد که آنان را از ارتباط مستقیم به امام بی‌نیاز می‌گرداند؛ چنانکه علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در کتاب «بازگشت به اسلام» فرموده است:

«حکومت بر مبنای رأی اکثریت مردم، در جوامعی که اکثریت مردم رشد عقلی کافی یافته‌اند و کمتر به موانع شناخت دچارند، بیشتر به حصول غرض می‌انجامد تا نقض آن و از این رو، جواز حکومت شورایی در این قبیل جوامع، بعید نیست؛ چنانکه خداوند شورا را شیوهی کار صالحان شمرده و فرموده است: ﴿وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ وَجِزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»^۱؛ > و آنچه نزد خداوند است برای کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، بهتر است؛ و کسانی که از گناهان بزرگ و کارهای زشت دوری می‌کنند و هنگامی که به خشم می‌آیند، گذشت می‌نمایند؛ و کسانی که پروردگارشان را اجابت کردند و نماز را بر پا داشتند و کارشان شورایی میانشان است و از آنچه روزی‌شان کردیم، می‌بخشایند؛ و کسانی که چون تجاوزی به آنان شود مقابله می‌کنند؛ و پاسخ یک بدی، بدی‌ای مانند آن است، پس هر کس ببخشد و اصلاح کند، پاداشش بر خداوند است، چه آنکه او ستمکاران را دوست نمی‌دارد؛> جز آنکه انصافاً اداره‌ی امور جامعه بر پایه‌ی مشورت، لزوماً به معنای حکومت بر پایه‌ی رأی اکثریت مردم نیست؛ زیرا می‌تواند به معنای حکومت بر پایه‌ی معقول‌ترین رأی مردم باشد که با تضارب آراء آنان در مشورت کشف می‌شود»^۲.

بنابراین، اگر فرض کنیم که پس از مهدی قیامت بر پا نمی‌شود و امامی از امامان گذشته رجعت نمی‌کند و اوصیاء مهدی حکومت می‌نمایند، علت آن می‌تواند رسیدن اکثریت مردم به اوصاف مذکور در آیات شوری باشد که به آنان اهلیت می‌دهد تا به اداره‌ی امور جامعه بر اساس مشورت بپردازند و البته وظیفه‌ی اوصیاء مهدی نیز تشخیص معقول‌ترین رأی آنان خواهد بود که با تضارب آراء آنان در مشورت کشف خواهد شد.

۵. بر خلاف دیدگاه وارونه‌ی شما که بیشتر به بهتان شبیه است تا دیدگاه، منحصر دانستن امامان در اسلام به دوازده نفر، از کارهای شیطان و حزبش نیست، بلکه از کارهای خداوند و پیامبر اوست؛

۱. الشوری / ۳۶ تا ۴۰

۲. بازگشت به اسلام، ص ۵۷

چراکه مبتنی بر آیات قرآن و احادیث متواتر نبوی است؛ همچنانکه واجب الطاعة ندانستن غیر آنان، مقتضای عقل سلیم است؛ زیرا عقل سلیم، تقلید از کسانی که خداوند و پیامبرش امام قرار نداده‌اند را جایز نمی‌داند؛ با توجه به اینکه عدم امامت آنان نزد خداوند و پیامبرش، به معنای عدم تضمین عصمت آنان است و عقل سلیم، اطاعت بی‌چون و چرا از کسانی که عصمت آنان تضمین نشده است را حماقت می‌داند. حال اگر شما سعی دارید که حماقت را حکمت و کار خداوند و پیامبرش را کار شیطان و حزبش جلوه دهید، باید بترسید که آتشی از آسمان بر سرتان نازل شود یا زمین زیر پایتان دهان باز کند! وانگهی از آنچه گفتیم روشن می‌شود که ختم امامت، اگر واقع شود، به معنای قطع ارتباط مردم با خداوند نیست؛ زیرا ارتباط آنان با کسانی که توسط امام منصوب شده‌اند، به معنای ارتباط غیر مستقیم آنان با خداوند است؛ همچنانکه ارتباط آنان با امام نیز از این جهت ارتباط با خداوند محسوب می‌شود که امام توسط پیامبر منصوب شده و پیامبر فرستاده‌ی خداوند است.

در پایان، به شما توصیه می‌کنیم که از قضاوت‌های عجولانه، نتیجه‌گیری‌های بی‌قاعده و مجادلات بدون علم درباره‌ی عقاید و احکام دین بپرهیزید؛ چراکه این شیوه، شما را به وادی ضلالت، بدعت و افترای بر خداوند و پیامبرش می‌کشاند و مستحق شقاوت، خسران و عذاب عظیم می‌گرداند.

✱ برای آگاهی بیشتر، به متن عربی مراجعه کنید.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مخصوص شاهنشاهی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مخصوص شاهنشاهی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطالب لایق

✱ لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.